

استفاده از دستگاه ایکس‌ری و کوچ اجباری قاچاقچی‌ها از مرز دوغارون

چشم‌برزخی گمرک

✓ در بزرگترین منطقه ویژه اقتصادی کشور چه خبر است؟



شده توسط تاجار را برای انتقال قانونی به کشور همسایه ذخیره کرده و تاجر خریدار سوخت در زمان مناسب و با قیمت مطلوب آن را به افغانستان می‌فرستد.

یکی از مسئولان شرکت پایپار به خبرنگار دنیای اقتصاد می‌گوید: «باوجود ظرفیت‌های مناسب و ایمن انبار و انتقال سوخت از مخازن به تانکرها که توسط این بخش خصوصی ایجاد شده، سازمان همیاری‌های شهرداری‌های استان خراسان رضوی درست دیوار به دیوار این انبار اقدام به احداث مکتلی به نام شهرک انرژی کرده است در حالیکه اگر مواد ۵۲،۴۵،۴۴۸ قانون اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ را اجرا می‌کردند شاهد رقابت منفی بخش دولتی با بخش خصوصی نبودیم.»

نمونه‌ای دیگر از رقابت دولتی با بخش خصوصی که البته این بار حتی در حد پروژه بازارچه هم پیشرفت فیزیکی نداشته ۲۷ فروردین ماه سال ۱۳۹۹ مدیرعامل شرکت مجتمع پایانه‌های انرژی دوغارون وابسته به سازمان همیاری شهرداری‌های استان خراسان رضوی در مصاحبه‌ای که متن آن بر روی تارنمای روابط عمومی سازمان همیاری شهرداری‌های خراسان رضوی قرار گرفته، گفته است: اجرای طرح شهرک انرژی و تکمیل آن در فازهای بعدی برای حدود ۵ هزار و ۶۰۰ نفر از مردم منطقه محروم مرزی به صورت مستقیم و غیرمستقیم اشتغال ایجاد می‌کند.

به گفته این مقام مسئول در سال ۱۳۹۹ برنامه‌ریزی‌های لازم برای نصب مخازن نگهداری سوخت در مجتمع و خطوط انتقال آن به افغانستان در حال انجام است که براساس برآوردها نیازمند حدود ۳۰ میلیارد تومان اعتبار برای این منظور در فاز اولیه است.

او هدف از تشکیل این شرکت را انتقال سوخت از استان خراسان رضوی به افغانستان از طریق مرز دوغارون اعلام کرده و گفته است: نتایج چنین اقدامی، کاهش هزینه‌های قیمت تمام شده سوخت بوده که منجر به خلوت شدن مرز شد. برای تحقق هدف خود در حال تملک زمینی هستیم تا زیرساخت‌های لازم را برای انجام صادرات تحقق بخشیم.

او گفته حدود ۸ میلیارد ریال برای انجام اقدامات زیرساختی ایجاد این مجتمع هزینه شده که این اقدامات شامل تجهیز کارگاه، تسطیح زمین، بی‌کنی و انتخاب مشاور بوده که در حال عملیاتی شدن است.

مشاهدات خبرنگار «دنیایاقتصاد» سه سال بعد از این اظهارات زمین‌خانی وسیعی بود که در میان دیوار محصور شده، در تصاویر منتشر شده روی تارنمای روابط عمومی با عنوان «زادبید مدیرعامل سازمان همیاری از روند احداث شهرک انرژی دوغارون» در سال ۹۹ سکوی سیمانی و دوش تخلیه سوخت دیده می‌شود که در سال ۱۴۰۲ همین زیرساخت نیز موجود نبود.

هدف اینها در حالی است که این سوی دیوار بخش خصوصی با صرف هزینه‌های هنگفت انبارهای سوخت یک میلیون تنی و ایستگاه انتقال سوخت به تانکرها را به بهره‌برداری رسانده است.

رقابت چینی‌ها

با میراث شهید فخری‌زاده

عصر هفتم آذرماه سال ۱۳۹۹ رسانه‌ها خبر یکی از پیچیده‌ترین عملیات ترور را که در جاده آسرد شهرستان دماوند روی داد، منتشر کردند. محسن فخری‌زاده که تا پیش از این برای اغلب مردم ناشناس بود، هدف حمله قرار گرفت و چنانکه بعدا گفته شد با مسائل خودکاری که از ماهواره کنترل می‌شد و بر روی یک دستگاه خودروی نیسان نصب شده بود ترور شد.

پس از آن بود که رسانه‌های داخلی و خارجی از محسن فخری‌زاده به عنوان پدر صنعت هسته‌ای ایران یاد کردند اما نکته جالب توجه درباره او این است که فخری‌زاده علاوه بر آنچه مربوط به فعالیت‌های هسته‌ای‌اش بود به نوعی در پایه‌گذاری تولید داخلی دستگاه‌های ایکس‌ری هم نقشی کلیدی داشته است.

دستگاه‌هایی که به گمرک این توانایی را می‌دهد که بار کانتینرها وارداتی را به طور کامل رصد کرده و تصویر ایکس‌ری آن را همانند یک چشم برزخی به رویت مأموران گمرکی برساند. مهدی میراشرفی، رئیس کل وقت گمرک در گفت‌وگو با شبکه تهران درباره نقش شهید فخری‌زاده در داخلی‌سازی ایکس‌ری‌های بومی را در تراز تکنولوژی روز دنیا تولید کند.»

یکی از مدیران شرکت دانش‌بنیان طوسا مجری و بهره‌بردار ۶ دستگاه فعال ایکس‌ری در کشور به خبرنگار دنیای اقتصاد می‌گوید که برای تأمین دستگاه‌های ایکس‌ری ساخت داخلی با شرکت دانش‌بنیان پرتو سازان سلامت سیاهان و صابا (صنایع الکترو اپتیک ایران) مذاکره کرده و با این شرکت برای خرید دستگاه قرارداد بسته است.

مسئولان شرکت پایپار می‌گویند این شرکت دستگاه‌های ایکس‌ری و خدمات آن را از شرکت‌های دانش‌بنیان داخلی و با قیمتی بسیار کمتر از موارد مشابه خارجی تهیه می‌کند.

راننده افغان تا پیش از ورود به خاک ایران وارد ایستگاهی می‌شود که عوارضش را می‌دهد و راننده ویزا می‌گیرد، حالا اگر بخواهد وارد بازارچه بشود از پرداخت ۱۲۰ دلار معاف است اسکن نمی‌شوند اما اگر بخواهد وارد منطقه ویژه بشود باید این پول را بدهد و اسکن بشود.

۱۶ بهمن ۱۴۰۱ در مراسمی با حضور استاندار خراسان رضوی، عملیات اجرایی فاز یک طرح جامع بازارچه مرزی دوغارون با همت سازمان همیاری شهرداری‌های خراسان رضوی آغاز شد. در این مراسم مدیرعامل سازمان همیاری شهرداری‌های خراسان رضوی از ۹۵۰ میلیارد ریال سرمایه‌گذاری جدید برای اجرای فاز یک طرح جامع بازارچه مرزی دوغارون خبر داد و گفت: وسعت زمین بازارچه مرزی ۷۸ هزار مترمربع است، مدت اجرای پروژه ۱۸ ماه پیش‌بینی شده و مساحت در نظر گرفته شده برای ایجاد غرفه‌های خدماتی، اداری، فروشگاه‌ی و... در حدود ۳۸ هزار و ۵۶۵ مترمربع است و با اجرای آن زمینه برای اشتغال بالغ بر ۹۲۳ نفر ایجاد خواهد شد.

مدیرعامل سازمان همیاری شهرداری‌های خراسان رضوی در این مراسم که خبر آن بر روی تارنمای سازمان همیاری‌های شهرداری‌های استان خراسان رضوی قرار دارد گفته است: بحث اشتغال‌زایی در حوزه مرز تازیباد از جمله دغدغه‌های گذشته مسئولان این شهر است که در فرآیند جدید تنها با ایجاد ۱۳۸ غرفه در حوزه خرده‌فروشی و اضافه شدن ۲۴ غرفه تجاری، امکان اشتغال‌زایی برای بیش از ۵۰۰ نفر به صورت مستقیم فراهم خواهد شد.

با گذشت نزدیک به یک سال از این رویداد آنچه در بازدید خبرنگار دنیای اقتصاد از بازارچه قابل رویت است زمینی خاکی و محصور در میان دیوارهای بلوکی است که با امکانات رفاهی در آن به چشم می‌خورد و نه غرفه‌های خدماتی و اداری و فروشگاه‌ی آن افتتاح شده، زمینی که میان رانندگان و بارکش‌های ایرانی و افغان تقسیم شده است.

چند راننده اهل کشور افغانستان کنار کامیونی با بار سیمان ایستاده‌اند، کامیون درحال بارگیری سیمان است. در زمین خاکی و محصور یکی از نام بازارچه معرفی می‌شود چیز

تجارت گلپر و گازوئیل

انبارهای شرکت پایپار در میانه محوطه‌های ۵۰ هکتاری، عطاری‌های خوش بوی بازارهای مشرق زمین را به خاطر می‌آورد. بسوی گلپر چنان غلبه دارد که می‌توان تمام بدسلوکی‌ها در سرهم کردن زمین خاکی محصور در میان دیوارهای سیمانی موسوم به بازارچه را برای لحظاتی از یاد برد.

گلپر و ماش و کنجد بخش‌ی از اقلامی است که از افغانستان به ایران وارد می‌شود هرچند در بازار، گلپر ایرانی قدر و قیمت بیشتری دارد، اما گلپر افغانی هم مورد توجه و تقاضای بسیار است.

کنجدها بیشتر به سمت یزد بارگیری می‌شوند تا در کارگاه‌های ارده‌سازی یا همان شیره‌سازی‌های اردکان از آن حلوا و ارده بسازند. ماش را افغان‌ها بسیار دوست دارند و با پلو در هم می‌آمیزند تا سفره‌ها را با ماش پلوی مشهورشان رنگین کنند. در عین حال ماش در میان ایرانی‌ها هم از حیوانات محبوب و پرکاربرد است و حجم زیادی از ماش مصرفی در داخل ایران از افغانستان وارد می‌شود.

یک راننده اهل کشور افغانستان به خبرنگار دنیای اقتصاد می‌گوید: آنچه از ایران به افغانستان می‌بریم مصالح ساختمانی مثل میلگرد، کاشی و سیمان است، اما با توجه به اختلاف قیمت موجود سوخت سود بیشتری دارد و راننده‌ها ترجیح می‌دهند هرچه می‌توانند سوخت بیشتری از ایران به افغانستان ببرند. این راننده

افغانستانی همچنین می‌گوید: در افغانستان به ایران کنجد، ماش، فلفل و خصوصا گلپر به ایران می‌آوریم، این‌ها اقلامی است که تاجر ایرانی سفارش آن را معمولا در هرات ثبت می‌کنند و ما این بار را در مرز ایران تحویل می‌دهیم. بنزین و گازوئیل در میان هر آنچه از افغانستان به ایران می‌آید و هر آنچه از ایران به سوی افغانستان می‌رود محبوبیت بالایی دارد. نرخ سوخت در ایران ثابت و در افغانستان از شهرپور

اسمال به این سو از ۷۰ تا ۸۰ افغانی و گازوئیل از ۹۰ تا ۹۵ افغانی معامله شده است. (هر افغانی حدودا ۷ هزار و ۲۰۰ تومان است) همین اختلاف قیمت باعث می‌شود که هم تجارت قانونی و هم قاچاق سوخت به افغانستان گزینه جذابی برای رانندگان این مسیر ترانزیتی باشد.

تجار افغان معمولا از انبارهای شرکت پایپار برای دپوی سوخت خریداری شده استفاده می‌کنند. انبارهایی با ظرفیت یک میلیون تن که در شرایطی ایمن و مطمئن سوخت خریداری

دستان بازارچه مرزی دوغارون می‌تواند یکی از نمونه‌های عدم هماهنگی دولت با مجموعه‌های محلی خود باشد. رویه‌ای که

مطابق مشاهدات خبرنگار دنیای اقتصاد می‌تواند در بلندمدت باعث ناامیدی سرمایه‌گذاران از ایجاد تاسیسات و زیرساخت‌ها در مناطق مرزی شود.

۱۶ بهمن ۱۴۰۱ در مراسمی با حضور استاندار خراسان رضوی، عملیات اجرایی فاز یک طرح جامع بازارچه مرزی دوغارون با همت سازمان همیاری شهرداری‌های خراسان رضوی آغاز شد. در این مراسم مدیرعامل سازمان همیاری شهرداری‌های خراسان رضوی از ۹۵۰ میلیارد ریال سرمایه‌گذاری جدید برای اجرای فاز یک طرح جامع بازارچه مرزی دوغارون خبر داد و گفت: وسعت زمین بازارچه مرزی ۷۸ هزار مترمربع است، مدت اجرای پروژه ۱۸ ماه پیش‌بینی شده و مساحت در نظر گرفته شده برای ایجاد غرفه‌های خدماتی، اداری، فروشگاه‌ی و... در حدود ۳۸ هزار و ۵۶۵ مترمربع است و با اجرای آن زمینه برای اشتغال بالغ بر ۹۲۳ نفر ایجاد خواهد شد.

مدیرعامل سازمان همیاری شهرداری‌های خراسان رضوی در این مراسم که خبر آن بر روی تارنمای سازمان همیاری‌های شهرداری‌های استان خراسان رضوی قرار دارد گفته است: بحث اشتغال‌زایی در حوزه مرز تازیباد از جمله دغدغه‌های گذشته مسئولان این شهر است که در فرآیند جدید تنها با ایجاد ۱۳۸ غرفه در حوزه خرده‌فروشی و اضافه شدن ۲۴ غرفه تجاری، امکان اشتغال‌زایی برای بیش از ۵۰۰ نفر به صورت مستقیم فراهم خواهد شد.

با گذشت نزدیک به یک سال از این رویداد آنچه در بازدید خبرنگار دنیای اقتصاد از بازارچه قابل رویت است زمینی خاکی و محصور در میان دیوارهای بلوکی است که با امکانات رفاهی در آن به چشم می‌خورد و نه غرفه‌های خدماتی و اداری و فروشگاه‌ی آن افتتاح شده، زمینی که میان رانندگان و بارکش‌های ایرانی و افغان تقسیم شده است.

چند راننده اهل کشور افغانستان کنار کامیونی با بار سیمان ایستاده‌اند، کامیون درحال بارگیری سیمان است. در زمین خاکی و محصور یکی از نام بازارچه معرفی می‌شود چیز

بازارچه مرزی؛ رقابت نفسگیر دولت با بخش خصوصی

۲۱ اوت ۲۰۲۱ با فرار اشراف غنی و سقوط برق آسیا جمهوری افغانستان، برخی از تحلیلگران سیاسی در این سوی مرز معتقد بودند افغانستان تحت کنترل طالبان به دلایل زیر از شرایط مساعدتری برای تجارت با ایران برخوردار خواهد بود.

نخست آنکه فضای تجارت گسترده با امارت اسلامی و کشورهای آسیای مرکزی بدون نظارت و در غیاب آمریکا باز خواهد شد و در نتیجه ایران در حالی وارد مذاکرات لغو تحریم‌ها با آمریکا می‌شود که

در وضعیت تجاری بهتری در مقایسه با قبل از خروج آمریکا از افغانستان قرار دارد.

دیگر آنکه ناگزیر حجم تجارت ایران با افغانستان که از نظر تکنولوژیک عقب افتاده است و می‌برد افزایش خواهد یافت.

مزیت سوم آنکه ایران می‌تواند گشاده دستانه و دور از چشم و نظارت ارتش آمریکا از مرزهای جغرافیایی افغانستان با چین برای عبور کامیون‌های تجاری خود استفاده کند. افغانستان نیز می‌توانست به عنوان دروازه چین از توسعه تجارت با ایران سود شایان ببرد. با گذشت دو سال از سقوط حکومت پیشین افغانستان به نظر می‌رسد انتظارات از افزایش مبادلات تجاری میان ایران و افغانستان همچنان زیر سایه مسائلی عمدتا غیر سیاسی برآورده نشد.

اگرچه هر دو طرف ایرانی و افغانستانی در مذاکرات و گفت‌وگوهای دوجانبه خواستار مشارکت بخش خصوصی برای توسعه زیرساخت‌های مرزی و دوجانبه برای گسترش تجارت شده و نسبت به این موضوع ابراز علاقه کرده‌اند اما طرف افغان همچنان در گیر مسائل مربوط به استقرار حکومت، مشروعیت سیاسی، برقراری امنیت و تنگنای مالی است و طرف ایرانی هم، چنانکه به نظر می‌رسد به دلایل متعدد نتوانسته است آنچنان که باید از ظرفیت سرمایه‌گذاران بخش خصوصی استفاده کند.

قاچاقچی‌ها اجبارا سوخت خود را از پایانه میلک به افغانستان می‌برند.»

به گفته او وقتی کامیون با بار پلمب شده وارد کشور می‌شود دستگاه‌های اسکنر تصویری از محتوای بار تهیه می‌کنند که این تصویر در سامانه گمرک کشور ثبت می‌شود تا در هنگام خروج مجددا بار کامیون توسط دستگاه ایکس‌ری رصد شده و با تصویر اول تطبیق داده می‌شود. به این ترتیب امکان جابجایی بار از بین می‌رود و مأمور گمرک می‌تواند تأیید کند که بار عینا همانی است که هنگام ورود به کشور تصویر آن ثبت شده است

در غیاب دستگاه‌های ایکس‌ری این امکان وجود دارد که یک کامیون با محموله‌ای از یکی از مبادی مرزی وارد کشور بشود و در بین راه بار ثبت شده را با بار دیگری جابه‌جا کند.»

این‌فعال اقتصادی در ادامه گفت: ورود برخی از کالاها مانند لوازم خانگی خارجی به کشور ممنوع است یا عوارض بسیار بالایی دارد، در طرف مقابل خروج برخی از کالاها مانند زعفران نیز با عوارض بالایی همراه است به این ترتیب امکان آن وجود دارد که بار لوازم خانگی به مقصد کشور دیگری وارد ایران شود و در بین راه با کالای دیگری که عوارض خروج زیادی دارد جایگزین گردد که در صورت عدم استفاده از دستگاه‌های

ایکس‌ری گمرک ایران به هیچ وجه توانایی شناسایی محموله خروجی را نخواهد داشت. در نتیجه انتخاب بسیاری از این کامیون‌ها جایگزینی گمرک میلک به جای دوغارون است چون میلک دستگاه اسکن ایکس‌ری ندارد و مأمور گمرک در نهایت باید بارنامه ثبت شده در میدا را تأیید کند!

بازارچه مرزی؛ رقابت نفسگیر دولت با بخش خصوصی

۲۱ اوت ۲۰۲۱ با فرار اشراف غنی و سقوط برق آسیا جمهوری افغانستان، برخی از تحلیلگران سیاسی در این سوی مرز معتقد بودند افغانستان تحت کنترل طالبان به دلایل زیر از شرایط مساعدتری برای تجارت با ایران برخوردار خواهد بود.

نخست آنکه فضای تجارت گسترده با امارت اسلامی و کشورهای آسیای مرکزی بدون نظارت و در غیاب آمریکا باز خواهد شد و در نتیجه ایران در حالی وارد مذاکرات لغو تحریم‌ها با آمریکا می‌شود که

در وضعیت تجاری بهتری در مقایسه با قبل از خروج آمریکا از افغانستان قرار دارد.

دیگر آنکه ناگزیر حجم تجارت ایران با افغانستان که از نظر تکنولوژیک عقب افتاده است و می‌برد افزایش خواهد یافت.

مزیت سوم آنکه ایران می‌تواند گشاده دستانه و دور از چشم و نظارت ارتش آمریکا از مرزهای جغرافیایی افغانستان با چین برای عبور کامیون‌های تجاری خود استفاده کند. افغانستان نیز می‌توانست به عنوان دروازه چین از توسعه تجارت با ایران سود شایان ببرد. با گذشت دو سال از سقوط حکومت پیشین افغانستان به نظر می‌رسد انتظارات از افزایش مبادلات تجاری میان ایران و افغانستان همچنان زیر سایه مسائلی عمدتا غیر سیاسی برآورده نشد.

اگرچه هر دو طرف ایرانی و افغانستانی در مذاکرات و گفت‌وگوهای دوجانبه خواستار مشارکت بخش خصوصی برای توسعه زیرساخت‌های مرزی و دوجانبه برای گسترش تجارت شده و نسبت به این موضوع ابراز علاقه کرده‌اند اما طرف افغان همچنان در گیر مسائل مربوط به استقرار حکومت، مشروعیت سیاسی، برقراری امنیت و تنگنای مالی است و طرف ایرانی هم، چنانکه به نظر می‌رسد به دلایل متعدد نتوانسته است آنچنان که باید از ظرفیت سرمایه‌گذاران بخش خصوصی استفاده کند.

فرشید غضنفرپور: ۲۵ بهمن سال ۱۳۹۹ حدود ساعت ۱۲:۳۰ بعد از ظهر پس از انفجار یک تانکر حمل گاز، گویی جهنم دهان گشود و از حدود ۱۰۰ راننده و ۵۰۰ دستگاه تانکر حمل سوخت و کامیون منتظر در گمرک اسلام قلعه شمتی خاکستر و بیابانی از تانکرهای سوخته برجای گذاشت.

یکی از شاهدان محلی روزی را روایت می‌کند که از زمین و آسمان آتش می‌بارید، هر لحظه صدای انفجار دشت را می‌لرزاند و راننده‌های افغان با صورت‌هایی وحشت زده و چشمانی هراسان در بیابان پشت به آتش می‌دویدند.

روزی که هرم مهیب آتش از یک کیلومتری صورت را می‌سوزاند. چند روز بعد در حالی که همچنان برخی از تانکرها در آتش می‌سوختند کاربری افغانستانی که

ظاهرا یکی از راننده‌های مشغول در این محور ترانزیتی است در بخشی از ویدئویی که با تلفن همراه خود از محل وقوع انفجار گرفته می‌گوید: «یک و نیم هزار موتر (کامیون) را هفته‌ها در این گمرک نگه می‌دارند تا مجبور شوند برای ورود به خاک افغانستان ۳۰۰ تا ۴۰۰ دالر پول بدهند بعد خلق مردم تنگ بشود و برای اینکه

زودتر رد بشوند رشوه بدهند... فساد عمیق و ریشه‌دار گمرک به صورت انفجارس در آمد و خانه مردم را خراب کرد» با گذشت ۳ سال از آن فاجعه خیلی چیزها در دو سوی مرز تغییر کرده. نظام پیشین افغانستان که به گفته راننده‌های افغانستانی منتظر در گمرک دوغارون خاطره‌اش بیش از هر چیز با فساد و رشوه همراه است

برافتاده و «امارت اسلامی»، نامی که افغان‌ها برای اشاره به حکومت طالبان از آن استفاده می‌کنند، هر چه هست حداقل باب رشوه‌خواری و فساد را بی‌رحمانه مسدود کرده است. «رئیس گمرک رشوه گرفت دستش را قطع کردند، رشوه‌خواری از اسلام قلعه جمع شد»

این روایتی است که راننده‌های ایرانی و افغان درباره گمرک اسلام قلعه پس از تسلط طالبان تعریف می‌کنند. روایتی که هرچند در صحت آن می‌توان تردید کرد اما در عین حال نشان‌دهنده گذشته پرماجرایی منطقه با داستان‌های فساد و رشوه‌خواری است.

دوغارون؛ دروازه هرات

از مشهد به سمت تاپباد، جاده‌ای که بیابان‌های خشک و بی‌انتهای خراسان در آغوش گرفته‌اند پس از ۲۲۰ کیلومتر (چیزی حدود سه ساعت و نیم رانندگی) به پایانه مرزی دوغارون می‌رسد. «دوغارون» این سوی مرز در ایران است و کمی آن‌سوتر اسلام قلعه پایانه و نقطه سفر مرزی که در افغانستان به آن «بندر اسلام قلعه» می‌گویند.

دوغارون بیش از یکصد سال است که در زمینه‌های صادرات، واردات، ترانزیت و مسافری فعال است و یکی از قدیمی‌ترین گمرکات ایران به حساب می‌آید. این گمرک در ابتدا در روستای کاریز مستقر بود و چنانکه گفته می‌شود فعالیت آن پیش از سال ۱۳۰۰ شمسی شروع شده است و به دلیل نزدیکی این گمرک با روستای دوغارون به همین نام (دوغارون) مشهور شد.

از دوغارون تا «هرات» شهری که آن را قطب اقتصادی افغانستان می‌نامند ۱۲۰ کیلومتر راه است. همین نزدیکی و نیز اینکه این گمرک تا پیش از بازگشایی گمرک میلک در استان سیستان و بلوچستان تنها مرز مجاز با کشور افغانستان بود باعث شد تا مبادلات مرزی و صدور کالا به افغانستان عمدتا از این گمرک صورت بگیرد. ایده تعیین دوغارون به عنوان منطقه ویژه اقتصادی نیز از همینجا شکل گرفت.

حجم مبادلات رسمی تجاری میان ایران و افغانستان را تا ۱ میلیارد و ۶۰۰ میلیون دلار در سال ۱۴۰۰ تخمین زده‌اند؛ مبادلاتی که عمدتا تا این گمرک رد و بدل شده و البته دو دولت امیدوارند حجم مبادلات با افزایش حجم ترانزیت کالا در معابر چاپهار-میلک-ماهیرود-دوغارون تا ۵ میلیارد آید؛ از ۱۰

میلیارد دلار فراتر برود. تحقق این آرزوی دولت البته نیاز به بسترسازی‌های فراوان و مشارکت فعال در جذب سرمایه‌گذاری بخش خصوصی دارد و این در حالی است که به نظر می‌رسد دولت‌ها حداقل در این سوی مرز به جای تلاش برای جذب سرمایه‌گذاران به رقابتی نفس‌گیر با بخش خصوصی پرداخته‌اند.

کوچ اجباری قاچاقچی‌ها از «دوغارون» به «میلک»

آنچه به نام منطقه ویژه اقتصادی یا مرز دوغارون می‌شناسیم را می‌توان در سه قسمت مجزا تفکیک کرد، سه قسمتی که فعالیت‌هایشان همپوشانی شگفت‌انگیزی با یکدیگر دارد. در میان آشفتنگی محسوس خودروهای پارک شده لب مرز، چنانکه گویی هر یک را در جایی رها کرده و برگزخته‌اند، شرکت مجتمع انبارهای پایپار با مساحت ۵۰ هکتار قرار دارد که با انبارهایی با ظرفیت نکه داشت یک میلیون تن سوخت، ۲ دستگاه فرقیل دروازه‌ای با ۵ ویج و دو دستگاه فرقیل موبایلی با قابلیت جابجایی، توقفگاه کامیون‌ها و سواری‌ها و ۲ سالن ایکس‌ری برای بازرسی کامیون‌ها به تاجر خدمات ارائه می‌دهد.

«پایپار» فعالیت‌های خود را از سال ۱۳۹۲ آغاز کرده و درآمد خود را از طریق خدمات تخلیه و بارگیری، خدمات بانسکول، توقفگاه سواری و کامیون، اسکن بار، انبارداری که به مراجعان ارائه می‌دهد تأمین کرده است و ضمن اشتغال‌زایی مستقیم و غیر مستقیم برای حدود ۳۵۰۰ هزار نفر و ارائه خدمات به بیش از ۵ هزار کامیون مرزنشینان مرز نقش موثری در کاهش فقر و کنترل معضلات اجتماعی منطقه داشته است.

این مجتمع که با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی راه‌اندازی شده و توسعه یافته است با استقرار ۲ دستگاه ایکس‌ری نقش ویژه در کنترل و رصد بار کامیون‌ها و تانکرهای ورود از کشور افغانستان به کشور و بالعکس آن را بر عهده گرفته است.

یک فعال اقتصادی در بخش گمرک دوغارون به خبرنگار دنیای اقتصاد می‌گوید: «از وقتی گمرک دوغارون با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی مجهز به سه دستگاه اسکن ایکس‌ری شده



انبارهای سوخت شرکت مجتمع انبارهای پایپار با ظرفیت نکه داشت یک میلیون تن سوخت



بازارچه مرزی دوغارون